



۲۰۱۶ / ۰۹ / ۲۳

حنیف رهیاب رحیمی

چه حال است؟!

در بین مردم عوام کشور یک مثل مشهور به رواج است که: «ای چه حال اس که سر کلال اس».



درست نمی دانم که کلال یعنی شخصی که از یک نوع گل مخصوص، کاسه، کوزه و انواع و اقسام دیگر ظروف می سازد، در کدام برهه تاریخ مورد چه نوع ستم و ناروایی قرار گرفته که به خاطر آن، این مثل در بین مردم مروج گردیده اما در حال حاضر من فکر می کنم که همه مردم کشور در موقف همو کلال قرار دارند و این قلم: هر قدر کوشش می کنم خود را از مسائل سیاسی دور نگه دارم و در این زمینه چیزی ننویسم مگر به قرارم نمی مانند، کارهایی می کنند و تصامیمی می گیرند که حتی گنگه مادر زاد را هم سر زبان می آورند. به همین علت است که تعداد نوشته ها و تحلیل های سیاسی در مطبوعات افغانی بیشتر از هر نوشته دیگر است.

در خبرهای دیشب، هفته پیش و همین چند هفته پیشتر، پیهم می شنویم و می بینیم که:

- دولت از روز اول تا حالا کوچکترین اقدامی به خاطر کنترل استخراج غیر قانونی معادن سنگ های گرانقیمت کشور و جلوگیری از قاچاق آن به وسیله جنگ سالاران و قوماندانان مسلح انجام نداده.
- رئیس جمهور پس از سقوط ولایت کندز و شکست طالبان مسلح وعده سپرد که برای امنیت این ولایت نمی خواهد به سیستم شرم آور یک قدم پیش دو قدم به عقب رفتار شود. امنیت این ولایت باید صد در صد تأمین شود و....

- (اما امشب شنیدیم که طالبان مسلح ولسوالی قلعه زال را سقوط دادند و بطرف ولایت پیشروی دارند). یعنی قوای دولتی عوض دو قدم، هزار قدم به عقب رفته اند.
- در حالیکه تقریباً بیش از یکسال از میعاد کار وکلای دوره قبلی ولسی جرگه سپری شده و آنها بطور غیر قانونی بر گرده پارلمان سوار هستند، دولت قادر به اصلاح نظام انتخابات و تصویب آن نشده.
 - در اولین روز های گرفتن قدرت به مردم وعده دادند که الی صد روز اول، تمامی وزرای کابینه تعیین می گردند. در حالیکه بعد از دو سال هنوز هم بعضی وزارتخانه ها وزیر ندارد و ثابت شد که بدبختانه در آینده هم این قابلیت را ندارند.
 - امنیت به مثابه حیاتی ترین و اولین نیاز مردم کشور، بجای اینکه روز تا روز بهتر شده برود، بدتر و بی ثبات تر شده رفته نه تنها در هر دو ساعت سه تن از جوانان نیروهای امنیتی کشور زندگی شانرا از دست می دهند و یک درجن یتیم و زنان بیوه را بی سرپناه بجا می گذارند، بلکه ده ها هموطن بیگناه و بی دفاع نیز در اثر حملات وحشیانه جنایتکاران حیات شانرا از دست می دهند و هلاک می شوند.
 - در برابر رشوت و فساد اداری هیچ نوع اقدام مثبتی صورت نگرفته همچنان فاسد ترین کشور جهان تشریف داریم. نه تنها ارگانه های عادی کشور در فساد آغشته اند بلکه ارگانه های رشوت خور بگیر و ضد فساد بیشتر از دیگران در این کار مسلکی عمل می کنند.
 - برای عودت مهاجرین کشور از ایران و پاکستان نه تنها اقدامی صورت نگرفته بلکه در هر هفته هزاران جوان تحصیل یافته و باسواد کشور به سوی آینده مبهمی از کشور فرار می کنند.
 - تقرر اشخاص در سفارتخانه ها و پُست های مهم طوری صورت می گیرد که یک کودک هم به خوبی درک کرده می تواند که تا چه حد خویش خوری، واسطه بازی و ضابطه سالاری در نظر گرفته می شود. در سابق ها باید از جمله قوم محمدزایی و سردار می بودی تا در مربوطات وزارت خارجه و سفارت ها مقرر می شدی اما حالا باید عضو یکی از تنظیم های شکست دهنده روس ها و یا از اقوام غنی و عبدالله باشی.
 - خائنین ملی و مفسدین فی الارض که با دستان آلوده به فساد و اختلاس دستگیر می شوند به جای اینکه محاکمه شوند و به محکمه کشانده شوند، در کشور های خارج سفیر مقرر می شوند.
 - فشار زندگی از بس مردم را به جان آورده، از هر ده نفر در کشور یک نفر، معتاد به مواد مخدر است. (چرسی و بنگی های معمولی درین احصائیه شامل نیست).
 - در مورد از بین بردن منابع مالی و عایداتی طالبان که مهمترین آنها عبارتند است از کشت کوکنار و قاچاق مواد مخدر و فروش سنگ های قیمتی معادن و آثار تاریخی کشور است، هیچ نوع پلان و تدبیری اتخاذ نشده.
 - هیچ وزارتخانه حکومت، بیش از بیست فیصد بودجه انکشافی خود را نتوانسته به مصرف برساند، یعنی اکثر وزارتخانه ها تقریباً فلج هستند و صرف به کارهای عادی و کاغذ پرانی خود را مصروف نگهداشته اند.
 - وعده هایی که به تجار ملی داده شده بود هیچ کدام آن عملی نشده و سرمایه گذاران خصوصی هیچگونه مصونیت قانونی به خاطر سرمایه گذاری در کشور احساس نمی کنند.
 - کودکان کشور هنوز هم در کارهای شاقه گماشته می شوند و هیچ نوع قانونی برای حمایت کودکان در کشور مرعی الاجراء نیست.

- خانواده های صدها و هزاران افسر و سرباز کشور که در راه حفاظت و وطن جان های شان را فدا کردند، بدون معاش، بدون سرپرست، بدون نان آور در میدان خدا باقی مانده و هیچ ارگانی نیست که به داد آنها برسد.
- بد از بد تر از آن اینکه: رتبه های اعزازی جنرالی و امثالهم به دالر خرید و فروش شده و بعد از وفات به فرزندان جنگسالاران که به اراده خداوند رهسپار زیر زمین گریده اند، داده می شود. رتبه جنرالی را با چارشاخ باد می کنند.
- تعقیب دوسیه های دزدان سرمایه های ملی کشور مانند کابل بانک در پس کندو انداخته شد و مانند یک افسانه آشفته تکرار و پیگیری آن غیر ضروری پنداشته شده.
- روزانه در چهار گوشه کشور (در بیخ گوش دولت) در اثر اعمال نفوذ و قدرت سرکش عناصر خرافاتی و شب پرست، زن های معصوم و بی دفاع گوش و بینی بریده می شوند و بالای اطفال تعرض جنسی صورت می گیرد.
- و افزون بر این همه، درین روز ها اینک برای ورود یک جنایت کار شناخته شده و قاتل هزاران انسان بیگناه، تیزاب پاش تاریخی کشور، سازش کار و معامله گر مشهور که در طول سال های اخیر به خاطر منافع شخصی اش با هر کس و ناکس حاضر شده همدست و همکار شود، یک انسان شوم و نحس! سرک ها آب پاشی شده تا تشریف بیاورد! امتیازات بگیرد و باز هم به جنایاتش ادامه دهد.
- خی دگه چه ماند که بگوئیم؟
- و.....
- صرف همین قدر که بگوئیم شرم و حیا هم برای انسان خوب چیزی هست!! با عرض حرمت.

پایان